
National Clown or National Hero

Taken from the Book "TWO CENTURIES OF SILENCE" By Dr Zarin Koob

On the 15th of Aban in the year 23 of the Hijri Solar calendar, the life of the second Arab Caliph and the perpetrator of the massacre of hundreds of thousands of Iranians came to an end. He was killed by his Iranian slave named Pirooz Nahavandi nicknamed Abu Lulu, in Medina and caused great joy among the Iranians!

Considering that at that time it took several months for the news to reach Iran by caravans and travellers from Medina, the news of the murder of Khalifeh Omar by Pirooz reached Iran in late winter and spread everywhere and caused great joy before the Nowruz of the year 24 of the Hijri Solar calendar.

It was the only good news after eight years of the oppression and cruelty and crime of the Arabs in Iran.

(The defeat at Qadisiyah, which was the beginning of the atrocities of the Arabs in Iran, took place in the year 15 of the Hijri Solar calendar, that is, eight years before)

But there was a big problem for the national happiness of the Iranian people. If the people were openly happy about Omar's death, they would definitely be killed by the Arab rulers

So, they had to hide their happiness in some way.

Therefore, combining the joy of the people from the murder of Omar by Pirooz and the need to hide this joy, the interesting character of Haji Pirooz was created by the Iranians.

The title of Haji, given to Pirooz clearly indicates his presence in Arabia. (because people called anyone who went to Arabia Haji)

The red colour of Haji Pirooz's clothes and the black colour of his face represent War and Resistance.

In ancient Iran, the colours red and black represented war and the resistance movement. Pay attention to two of the greatest Iranian commanders, Babak Khorramdin, who was the leader of the Red Jamegan, and Abu Muslim Khorasani, who was the leader of the Black Jamegan.

(In ancient Iran, the colour of death and mourning was not black, but white, like the Indians)

Haji Pirooz dance shows the joy and happiness of the people from the death of Omar.

And even the famous song that Haji Pirooz sings:

"My lord, the goat, the sugar goat." ارباب خودم بز بز قندی

My lord, why don't you laugh? " ارباب خودم چرا نمی خندی

Is in fact, mocking the Arab lords of that time, and especially the greatest Arabs, Omar.

The sugar goat is a clear reference to the face of the Arabs who, according to tradition, grew a beard and shaved their moustaches and looked like a goat with a beard and no moustache. On the other hand, Piruz struck and killed the greatest lord of the Arabs, Omar, and mockingly said to his lord, Omar, "Now, why don't you laugh ???"

And of course, when the ruling Arabs looked at Haji Piruz character, they did not notice the story behind Haji Piruz, and the Iranians safely celebrated the death of their Caliph Omar, in front of the Arabs and danced and laughed at the beards of the Arabs.

With the great popularity of Haji Pirooz's character in all parts of Iran, which has survived to this day, it becomes clear how popular Pirooz Nahavandi was among the Iranians for killing Omar in his time, and how much he made the hearts of the Iranians happy.

Finally, it should be said that Pirooz Nahavandi is one of the greatest national heroes of Iran, and if in the distant past our ancestors were forced to turn the serious character of Pirooz Nahavandi into a comedian and clown for fear of the invading Arabs, now it is our national duty to return, after 1400 years, this national character and the great hero of our country out of the state of humour and clown and make him a great national hero.

Translated from the book "Two Centuries of Silence" By Dr Zarrin Koob

دلک ملی یا قهرمان ملی

در ۱۵ ابان ماه سال ۲۳ شمسی عمر خلیفه دوم عرب و عامل کشتار هزاران ایرانی بدست یک برده ایرانی به نام پیروز
!نهادندی ملقب به ابو لؤلؤ در مدینه به قتل رسید و باعث شادی فراوان ایرانیان شد

و با توجه به اینکه در آن دوران چندین ماه وقت لازم بوده تا خبرها بوسیله کاروانها و مسافران از مدینه به ایران برسد خبر
قتل عمر به دست پیروز حتما در اواخر زمستان به ایران رسیده و همه جا پخش شده و باعث شادی زیاد مردم در استانه
نوروز سال ۲۴ شمسی شده است

!آن هم بعد از هشت سال تمام ظلم و ستم و بیداد و جنایت اعراب در ایران

!شکست بزرگ قادسیه که آغاز ورود اعراب به ایران بود در سال ۱۵ شمسی یعنی هشت سال قبل رخ داده بود)

!اما یک مشکل بزرگ بر سر راه شادی ملی مردم ایران وجود داشت

اگر مردم آشکارا از مرگ عمر شادی می کردند قطعاً توسط حکام عرب کشته می شدند

!پس مجبور بودند که شادی خود را به نوعی پنهان کنند

لذا از ترکیب شدن شادی مردم از قتل عمر به دست پیروز و نیاز به پنهان کردن این شادی شخصیت جالب حاجی فیروز
بدست ایرانیان ساخته می شود

از یک طرف اسم حاجی فیروز به آشکارا نشان دهنده پیروز نهادندی در عربستان است (چون مردم هرکس را که به عربستان

میرفت حاجی می گفتند)

رنگ قرمز جامه و رنگ سیاه چهره حاجی فیروز نشان دهنده جنگ و مبارزه است

در ایران قدیم رنگ قرمز و سیاه نشان دهنده جنگ و مبارزه بوده است دقت کنید به دو تن از بزرگترین سرداران ایرانی بابک خرمدین که رهبر سرخ جامگان بود و ابومسلم خراسانی که رهبر سیاه جامگان بود

(!در ایران قدیم رنگ مرگ و عزا داری سیاه نبوده بلکه مانند هندیها سفید بوده است)

رقص حاجی فیروز نشاندهنده شادی و سرور مردم از مرگ عمر است

: و حتی شعر معروفی هم که حاجی فیروز می خواند

ارباب خودم بز بز قندی»

«ارباب خودم چرا نمی خندی

!در اصل مسخره کردن اربابهای عرب آن زمان و مخصوصا بزرگترین عربها یعنی عمر است

بز بز قندی اشاره آشکار به چهره عربهاست که طبق سنت ریش دراز می کردند و سبیل می تراشیدند و شبیه بز می شدند که ریش دارد و سبیل ندارد!!! از طرف دیگر فیروز زده و بزرگترین ارباب عربها یعنی عمر را کشته و به طور مسخره کردن به

ارباب خود یعنی عمر می گوید حالا پس چرا نمی خندی؟؟

و صد البته که وقتی عربهای حاکم به حاجی فیروز نگاه می کردند متوجه داستان پشت پرده حاجی فیروز نمی شدند و ایرانیان با خیال راحت در جلوی چشم عربها مرگ خلیفه شان عمر را جشن می گرفتند و می رقصیدند به ریش عربها و عمرشان می

!خندیدند

از محبوبیت زیاد شخصیت حاجی فیروز در تمام نقاط ایران که تا امروز هم بجا مانده است روشن می شود که پیروز نهاوندی به خاطر قتل عمر در زمان خودش چه محبوبیت عظیمی در بین ایرانیان داشته است و چقدر دل ایرانیان را شاد کرده است!

در نهایت باید گفت که پیروز نهاوندی یکی از بزرگترین قهرمانان ملی ایران است و اگر در گذشته های دور اجداد ما از ترس اعراب مهاجم ناچار بودند شخصیت جدی پیروز نهاوندی را به صورت کمدی و دلچک در بیاورند الان وظیفه ملی ماست که بعد از ۱۴۰۰ سال دوباره این شخصیت ملی و قهرمان بزرگ کشورمان را از حالت طنز و دلچک خارج کنیم و به صورت ..یک قهرمان بزرگ ملی مورد سپاس و بزرگ داشت قرار دهیم

برگرفته از کتاب_دوقرن سکوت

اثر دکتر زرین_کوب